یادداشت

## گرامیداشت انقلاب مشروطه همراه با گذری کوتاه بر احوال آن روزگار

نوید مجیدی
روزنامه‌نگار و تحلیلگر

چهاردهم اَمرداد هر سال، برابر با سالروز «انقلاب مشروطه» است؛ مشروطه از آن دست رخدادهایی است که در دو سده اخیر و بیش از ۱۲۰ سال که از آن می‌گذرد، هماره در ذهن عموم «ملت ایران» و به‌ویژه آنان که در پی کنکاش و چون‌وچرایی و نیز تداوم برخی زمینه‌هایش -تا روزگار کنونی- هستند، جا خوش کرده است. اینکه چرا بخش‌هایی از «مشروطه» هنوز به‌عنوان آرمانی زنده، حضور دارد و همچون جنگ‌های ایران و روس و جدایی بخش‌هایی از وجود «میهن»، کانونی برای حسرت اندیشمندان و عامه ملت ایران قرار گرفته، از ظرفیت و توان یک یادداشت روزنامه‌ای بیرون است و نیاز به نگارش جستاری بلند دارد. برای کسب دانش و پژوهش درباره مشروطه و احوال روزگاران پیش یا هم‌زمان با آن، کتاب‌ها و مقاله‌های ارزشمندی موجودند؛ از جمله آنها می‌توان کتاب‌ها و نوشته‌های محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، فریدون آدمیت، احمد کسروی، ناظم‌الاسلام کرمانی، یحیی دولت‌آبادی و ماشاءالله آجودانی را نام برد. کتاب «سیاحت‌نامه ابراهیم بیک» نوشته زین‌العابدین مراغه‌ای از آن آثار درخشان در «تاریخ ادبیات ایران» است که نقش بزرگی در روشنایی اندیشه و نگاه ملت ایران در روزگار نزدیک به وقوع مشروطه داشته است. در نوشته‌های مربوط به رخدادهای تاریخ مشروطه، منابع دست‌اولی می‌توان یافت که بسیار نزدیک به وقایع آن دوره و شخصیت‌های مؤثر آن روزگار -چه مثبت و چه منفی- هستند.

درست است که «جنبش مشروطه» ظاهرا از بازار تهران و در اعتراض به استبدادِ حاکم تهران شعله‌ور شد، اما آن حادثه، جنبشی ناگهانی یا تنها در پاسخ به پافشاری و لجاجت «عین‌الدوله» و حمایت از «مسیو نوز» بلژیکی و تفسیر اختیاری قوانین و اِعمال خودسرانه تعرفه در گمرکات و به بیانی کلان‌تر، تفسیر اختیاری از قانون نبود؛ بلکه ریشه‌هایش را باید در گذشته و در کارنامه پادشاهان و وزرای قاجار، دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی در اروپا، جنگ ایران و روسیه و فرجام تلخ آن برای ایرانیان و نیز نیازهای «درون‌زای» جامعه ایرانی (که عاملی کهن‌تر و بسیار مهم است و معمولا آن را نادیده می‌انگارند) جست. عمده خواسته‌های این انقلاب ملی که در سراسر جغرافیای ایران گسترده شده و «آرمانی ملی و مشترک» پدید آورده بود، بر کاهش اختیارات پادشاه و تبدیل پادشاهی مطلقه به پادشاهی مشروطه، اصلاح و نظام‌مندی قانون‌های مالیاتی و گمرکی، تأسیس «عدالتخانه» (مجلس ملی) و احترام به حقوق اجتماعی و فردی ملت بود. ازاین‌رو «انقلاب مشروطه» به‌عنوان یک جنبش براندازانه علیه پادشاهی قاجار نبود -گرچه عده کمی از رهبرانش خواستار استقرار جمهوری بودند و در مقایسه با آنان عده بیشتری از رهبران و پشتیبانان، رویکردی اصلاحی درباره قاجاریه داشتند- و جنبشی اصلاح‌طلبانه به‌شمار می‌رود. در این میان و با فداکاری‌های بسیار و پیشگامی و پشتیبانی بزرگانی از تهران، کرمان، تبریز، کرمانشاه، مراغه، رشت، زنجان و بسیاری از مناطق از جمله خوزستان، خراسان، فارس، همدان و... و با همراهی بزرگمردی از جنوب یعنی سردار اسعد بختیاری، این انقلاب به ثمر نشست و مهم‌ترین خواسته‌اش که همانا تأسیس «عدالتخانه» بود، به سرانجام رسید و ایران به‌عنوان نخستین کشور در سراسر آسیای غربی و پس از ژاپن، دارای مجلس ملی شد. برخی رهبران و پیشگامان جنبش همچون یپرم‌خان ارمنی، ستارخان، باقرخان و سردار اسعد بختیاری در اذهان مردم به شهرت و جایگاه رسیدند و امروزه از آنان همواره یاد می‌شود اما نقش برخی حامیان و پیشگامان ارزشمند «مشروطه» در شهرهای دیگری از آذربایجان، کرمانشاه، مازندران، اردبیل و حتی در فراتر از مرزهای کشور و نیز روزنامه‌نگاران آن عصر به حاشیه رفته و نام آنان در پشت دیوار «کم‌نام‌ونشانی» مانده است و بجاست که پژوهشگران در معرفی نقش و جایگاه آنان، بیشتر و به دور از تعصبات شهری و منطقه‌ای بکوشند.

در بخش پایانی یادداشت، بجا و نیکو می‌دانم که بخشی از احوالات محمدعلی شاه، ششمین پادشاه قاجاریه را از یکی از منابع دست‌اول با هم بخوانیم:

«محمدعلی میرزا (محمدعلی شاه) در سال ۱۲۸۹ هجری در تبریز متولد شد. مظفرالدین شاه... در سال ۱۳۰۶ که هفده‌ساله بود، فوج امیریه را که قراول مخصوص ارک حکومتی تبریز بود به او سپرد. چون آن زمان پیشکار و مربی صحیحی نداشت... در کارها، فعالِ مایشاء بود و چون در زمان استبداد، هر فوجی و حکومتی به کسی می‌دادند برای نان خانه او بود، به این جهت هم و عزم محمدعلی میرزا مصروف جمع پول بود و از مجالست با اخیار و ابرار منصرف و از تحصیل علوم و کمالات منحرف (بود). مردمان پست و شریر و اوباش و الواد را طرف وثوق و اعتماد خویش قرار داد، به کارهای زشت عادی شد. چند نفر از یاورها و سلطان‌های فوج را که مردمان پست و جزو قطاع‌الطریق محسوب می‌شدند... منظور نظر خود قرار داد و ساعی در ترقی‌دادن ایشان شد و اشخاص نجیب و خانواده‌ای که مظفرالدین شاه برای نوکری و تربیت او معین کرده بود، آنها را خارج نموده و یا به خود راه نمی‌داد... احتکار و انبار می‌کرد و در آخر سال به قیمت گران می‌فروخت و این سبب شد که بعضی از ملاکین آذربایجان هم تأسی به او کرده... آنچه توانستند، در ظرف دوازده سال به‌جا آوردند. چون اهالی آذربایجان اعمال و افعال آنها را دیده بودند، با کمال غیرت و شجاعت ایستادگی کرده، حقوق خود و ملت ایران را پس گرفتند... بعضی اشخاص هم در ضمن پیدا شدند و اطراف او را گرفته و گفتند که اگر شما عمل جادو را بکنید، ولیعهد می‌شوید، شاه می‌شوید. این مذاکرات اتفاقا با خیالات او مصادف می‌افتاد... بعد از رحلت پدر و جلوس به اریکه سلطنت، باز این اشخاص، خاطرجمعی به او می‌دادند که تو به سر ملت غالب خواهی شد و مشروطه ایران فنا و نابود می‌شود... در جلب قلوب رعیت پایتخت و علمای طهران ساعی بود؛ در آخرین مناقشه ملت با دولت و مخالفت عین‌الدوله با علماء تلگرافا توصیه به پدر تاج‌دار خود در اصلاح ذات‌البین و قبول خواهش‌های ملت استدعا نمود... بعد از رحلت پدر و قیام بر تخت سلطنت، آنچه توانست بر علیه مشروطیت اقدام نمود...».

آری! اتصال‌ها و گسست‌ها در روند آرمان‌خواهیِ برآمده از مشروطه، سبب شده بخشی از خواست‌های ملت ایران بَه بار ننشیند و هنوز هم اشتیاق برای مطالعه و پژوهش درباره مشروطه، مدنظر افراد است؛ خوشبختانه خودم نیز به چشم خویش و حتی در میان جوانان دهه‌هشتادی، کسانی را دیده‌ام که علاقه‌مند به خوانش و درک ریشه‌های آن رخداد بزرگ ملی هستند.

با تداوم جنگ و توقف سفرها، فعالان گردشگری و روستاییان برای تأمین هزینه‌های زندگی ناچار به فروش دارایی‌های خود شده‌اند

# قشم؛ جزیره‌ای بی‌مسافر

مریم کاظمی‌زاده

**بیش از پنج ماه از شروع جنگ می‌گذرد و این بار صنعت گردشگری، به‌ویژه در جنوب کشور، فلج شده است. از تعطیلی کامل هتل‌ها و اقامتگاه‌های بوم‌گردی قشم تا نبود هرگونه بسته حمایتی برای فعالان این صنعت؛ روایتی تلخ از روزهای بی‌مسافر در جزیره‌ای است که تا همین چند ماه پیش، دارای دهکده‌ای جهانی بود. از میان تمام مشاغلی که در این مدت ضربه دیدند، گردشگری شدیدترین ضربه را خورد و بعد از یک آتش‌بس کوتاه و از سر گرفته‌شدن موشک‌باران، این بار شهرهای جنوبی هدف قرار گرفتند و عملا گردشگری در این مناطق به‌طورکامل تعطیل شد. هرچند به دلیل گرما، این مناطق هر سال با کاهش مسافر مواجه می‌شدند اما با سیاست‌های تشویقی و تخفیف‌ها و... باز هم گردشگری سر پا می‌ماند. در موج اخیر حملات، خلاف دو دوره پیشین که بیشتر به مناطق مرزی و غرب کشور محدود شده بود، این‌بار گسترش بیشتری یافته و جنوب استراتژیک ایران را در کانون حملات هوایی و موشکی قرار داده است. از نخستین روزهای آغاز این درگیری، زنجیره‌ای از بحران‌ها -از قطعی اینترنت و اختلال در شبکه‌های بانکی تا ترس از حملات غافلگیرانه- کسب‌وکارهای متعددی را زمین‌گیر کرد. اما آنچه در این میان بیش از هر بخش دیگری لطمه دید، صنعت گردشگری بود؛ صنعتی که ذاتا به آرامش، امنیت و تصویر ذهنی مثبت وابسته است و با کوچک‌ترین تنش منطقه‌ای، مانند برجی از ماسه فرو می‌ریزد. فعالان این حوزه مدت‌هاست با کابوس لغو رزروها، خروج سرمایه و بیکاری دست‌وپنجه نرم می‌کنند، اما جنوب کشور به دلیل تداوم حملات و نزدیکی به خط مقدم، وضعیتی به‌مراتب حادتر دارد.**

### هتل‌های قشم؛ تعطیل و بی‌مسافر

«آخرین خبری که من دارم تعطیلی کامل هتل‌های قشم است». این جمله‌ای است که «جمشید حمزه‌زاده»، رئیس جامعه هتل‌داران، در گفت‌وگو با «شرق» بر زبان می‌آورد؛ جمله‌ای که وضعیت اسفبار صنعت گردشگری در جنوب کشور را به تصویر می‌کشد. حمزه‌زاده با اشاره به ابعاد فاجعه می‌گوید: «ما آمار دقیقی از میزان خسارت به هتل‌ها در کشور نداریم، اما در آخرین آماری که از رؤسای جوامع هتل‌داری استان‌ها دارم، می‌دانم که ضریب اشغال در بسیاری از استان‌ها نزدیک به صفر است. در حالی که هتل‌ها، هزینه‌های جاری برای سر پا نگه‌داشتن خود را دارند و این هزینه‌ها روز به روز افزایش پیدا می‌کنند». او که سال‌هاست چشم‌انداز گردشگری ایران را رصد می‌کند، این بار نگرانی‌اش را از تداوم روند نزولی پنهان نمی‌کند. به گفته او، بسیاری از هتل‌های بزرگ جنوب که پیش‌تر در ایام تعطیلات و نوروز با صددرصد اشغال مواجه می‌شدند، اکنون نه تنها مسافری ندارند، بلکه با انبوهی از صورت‌حساب‌های معوقه برق، آب، گاز و حقوق کارکنان روبه‌رو هستند. برخی از مدیران هتل‌ها مجبور شده‌اند برای کاهش هزینه‌ها، بخش‌های رستوران و استخر را تعطیل کنند و حتی تعداد پرسنل شب‌کاری را به حداقل برسانند، اما این اقدامات نیز نتوانسته است آنها را از ورطه زیان نجات دهد.

رئیس جامعه هتل‌داران نسبت به آینده این صنعت هشدار می‌دهد: «در حال حاضر با وجود فشار اقتصادی بالا روی صنعت هتل‌داری بیشتر هتل‌های ما زیان‌ده شده‌اند. اگر به‌سرعت اقدامی برای برون‌رفت از این وضعیت انجام نشود، تعداد زیادی از هتل‌های کشور ممکن است از چرخه فعالیت خارج شوند». این هشدار در حالی مطرح می‌شود که بسیاری از هتل‌داران جنوبی، به‌ویژه در استان هرمزگان، ماه‌هاست که نه تنها درآمدی ندارند، بلکه برای جلوگیری از تعطیلی کامل، از پس‌انداز شخصی خود هزینه می‌کنند. در قشم، فقط چند هتل کوچک با ظرفیت زیر ۲۰ تخت، آن هم با قیمت‌های بسیار پایین، سعی در جذب مسافران محلی دارند، اما حمزه‌زاده تأکید می‌کند که این موارد استثنا هم عملا مشتری چندانی ندارند و آمارها نشان می‌دهد که ضریب اشغال در بهترین حالت به دو تا سه درصد هم نمی‌رسد که از نظر اقتصادی، معنایی جز تعطیلی ندارد.

### قشم؛ در آتش حملات

قشم و دیگر جزایر جنوبی کشور در این چند هفته اخیر، بیشترین حملات و آسیب‌ها را بر پیکر خود تاب آورده‌اند. حملات هوایی اخیر آمریکا به این جزیره، نه تنها زیرساخت‌های گردشگری را هدف قرار داد، بلکه آرامش ساکنان آن را نیز بر هم زد. بر اساس گزارش‌های موجود، در حمله بامداد پنجشنبه ارتش آمریکا به یک منزل مسکونی در جزیره قشم، سه نفر از اعضای یک خانواده به شهادت رسیدند. همچنین جنگنده‌های آمریکا اسکله‌های مسافربری و گردشگری «شیب‌دراز» و «کندالو» را مورد حمله قرار دادند. در حمله‌ای دیگر، یک کمپ گردشگری خانوادگی در دره‌شور جزیره قشم هدف پهپادهای دشمن قرار گرفت. این کمپ که در سال‌های اخیر به یکی از مقاصد محبوب طبیعت‌گردی تبدیل شده بود، اکنون به ویرانه‌ای تبدیل شده است که گرد و غبار خاکستر روی چادرها و آلاچیق‌های سوخته‌اش نشسته است. مردم محلی می‌گویند صدای انفجارها تا کیلومترها دورتر شنیده می‌شد و وحشت آن هنوز در خیابان‌های خالی شهر جاری است.

تعدادی از اهالی غیرنظامی به شهادت رسیدند که شاید هیچ‌وقت تصور نمی‌کردند در بین همه این تهدیدها و حملات، روزی موشکی بر سقف خانه‌شان فرود آید و رخت بازمانده‌ها را تا ابد سیاه کند و خواب کودکان معصوم و بی‌گناه قشم را آشفته کند. لنج‌های ماهیگیری که روزی خانه‌ها را برایشان تأمین می‌کردند، در آتش نفرت سوختند و آنچه ماند، خاکستر بود و امید به بازسازی و آینده. این لنج‌ها که بخش مهمی از هویت فرهنگی و معیشتی جنوب را تشکیل می‌دادند، اکنون یا ویران شده‌اند یا در اسکله‌های متروکه، بدون هیچ کاربری در حال زنگ‌زدن هستند. بسیاری از صیادان و ملوانان قشمی که پیش‌تر در ایام غیرگردشگری نیز از دریا روزی می‌بردند، اکنون حتی به آب نزدیک نمی‌شوند؛ چراکه پهپادهای دشمن هر وسیله متحرکی را در آب‌های ساحلی هدف قرار می‌دهند. این وضعیت، علاوه بر گردشگری، صنعت شیلات و حمل‌ونقل دریایی را نیز به حاشیه رانده و فشار مضاعفی بر اقتصاد جزیره وارد کرده است.

### از دهکده جهانی تا تعطیلی کامل

در فاصله جنگ ۱۲روزه تا جنگ رمضان، قشم، یک دهکده جهانی گردشگری را به ثبت رساند. روستای سهیلی ثبت جهانی شد. این روستا در سال ۲۰۲۵ از سوی سازمان ملل به عنوان روستای برگزیده جهانی شناخته شد و به گفته وزیر میراث فرهنگی، «سهیلی، ستاره خلیج فارس و نماد گردشگری سبز» است. از ظرفیت‌های گردشگری این روستا می‌توان به ۴۷ اقامتگاه بوم‌گردی، ۱۱ مرکز عرضه غذای محلی، ۱۴۵ فروند قایق و آلاچیق دریایی گردشگری و ۳۰ غرفه عرضه صنایع دستی اشاره کرد. این افتخار بین‌المللی که در شرایط عادی می‌توانست موجی از سفرهای خارجی و داخلی را به سمت قشم سرازیر کند، اکنون در سایه جنگ به پوسته‌ای تهی از معنا تبدیل شده است. کارشناسان گردشگری معتقدند ثبت جهانی سهیلی، در میانه دو جنگ، یک اتفاق تاریخی بود که می‌توانست مسیر توسعه پایدار جنوب را برای دهه‌ها هموار کند، اما بمب‌ها و موشک‌ها نه‌تنها آن مسیر را بستند، بلکه حتی خاطره آن روزهای پرامید را نیز در ذهن روستاییان مخدوش ساختند. امروز کوچه‌های سنگ‌فرش سهیلی که زمانی مملو از گردشگران کنجکاو بود، تنها با ردپای معدود اهالی و صداهای دلگیر باد همراه است. علاوه بر سهیلی، شغل بسیاری دیگر از روستاییان قشم مرتبط با گردشگری است و بسیاری از روستاییان خانه‌های خود را به اقامتگاه‌های بوم‌گردی تبدیل کرده‌اند که این روزها با قطع جریان گردشگری، بی‌شک فشار اقتصادی زیادی بر آنها تحمیل شده است. بر اساس برآوردهای محلی، حدود ۴۰ درصد از جمعیت فعال روستاهای قشم به نوعی در صنعت گردشگری اشتغال داشته‌اند؛ از راهنمایان محلی و رانندگان قایق‌های تندرو تا زنان روستایی که با پخت نان محلی و تولید صنایع دستی، بخش قابل توجهی از درآمد خانواده را تأمین می‌کردند. اکنون همه این زنجیره‌های ارزش، یک به یک گسسته شده‌اند. بسیاری از خانواده‌ها مجبور شده‌اند فرزندان خود را از مدارس شبانه‌روزی خارج کنند یا به شهرهای دیگر کوچ کنند تا بتوانند از طریق خویشاوندان، امرار معاش کنند. این مهاجرت اجباری، خود تهدیدی دیگر برای بافت جمعیتی و فرهنگی جزیره به شمار می‌رود.

### اهالی در فکر فروش وسایل خانه و دام

طیّب مفیدی، عضو هیئت‌مدیره جامعه بوم‌گردی قشم، در گفت‌وگو با «شرق» از تعطیلی کامل اقامتگاه‌های بوم‌گردی و خالی‌شدن آنها از مسافر می‌گوید. او در پاسخ به این سؤال که از لحاظ فیزیکی آیا اقامتگاه‌ها آسیب دیده‌اند، می‌گوید: «از نظر فیزیکی اقامتگاه‌ها آسیب ندیده‌اند، ولی از اوایل جنگ، عملا کار و درآمدی نداریم. اصلا مراجعه‌کننده نداریم و کسی جرئت نمی‌کند به قشم سفر کند. ما هرچقدر می‌گوییم اینجا خبری نیست و مشکلی نداریم، اما مردم از نظر امنیتی نگران هستند و نمی‌آیند». مفیدی درباره حملات اخیر توضیح می‌دهد: «در مورد حملات، باید عرض کنم که حمله اخیر به خود شهر قشم بوده، نه روستاها. اما در کل، همه اقامتگاه‌ها تعطیل‌اند، به جز تعداد کمی ویلا که گاهی دو یا سه نفر مسافر قبول می‌کنند». او وضعیت فعلی را این‌گونه توصیف می‌کند: «وضعیت اقتصادی الان واقعا وحشتناک است». مفیدی که خود ساکن یکی از روستاهای هدف گردشگری قشم است، می‌گوید اهالی روستا در ماه‌های اخیر به فکر فروش وسایل منزل و حتی دام‌های خود افتاده‌اند تا از عهده قبوض آب و برق برآیند. برخی از همسایگان او که چندین واحد بوم‌گردی را با وام‌های بانکی راه‌اندازی کرده بودند، اکنون نه تنها اقساط وام را نمی‌توانند بپردازند، بلکه نگران توقیف ملک‌هایشان توسط بانک هستند». او تأکید می‌کند که اگر جنگ تا پایان سال ادامه یابد، بسیاری از این واحدها برای همیشه از چرخه خارج خواهند شد و بازگشت دوباره به صنعت گردشگری، سال‌ها زمان خواهد برد.

### وعده‌های بی‌نتیجه

مفیدی در پاسخ به این پرسش که آیا از طرف دولت بسته حمایتی دریافت کرده‌اند؟ توضیح می‌دهد: «درباره بسته حمایتی، چیزی دریافت نکردیم. از همان جنگ ۱۲روزه هم قرار بود حمایت کنند، اما هیچ‌چیز به ما نرسید. ظاهرا حتی در تهران هم چیزی توزیع نشده و این قضیه فقط به همان جلسات و تشریفات اداری ختم می‌شود». این اظهارات در حالی است که وزارت میراث فرهنگی و گردشگری در هفته‌های ابتدایی جنگ، از تشکیل کارگروه ویژه برای جبران خسارت‌های گردشگری خبر داده بود، اما فعالان این صنعت می‌گویند که هیچ مصداق عملی برای این وعده‌ها ندیده‌اند. نه وام‌های کم‌بهره‌ای پرداخت شده، نه معافیت مالیاتی در نظر گرفته شده و نه حتی یک بسته معیشتی اضطراری به دست اقامتگاه‌داران جنوبی رسیده است. در مقابل، هزینه‌های ثابت مانند بیمه تأمین اجتماعی کارکنان، عوارض شهرداری و مالیات بر ارزش‌افزوده کماکان از حساب آنها کسر می‌شود و این موضوع، گلایه‌ها را دوچندان کرده است.

### جزیره‌ای خالی از مسافر

با ادامه حملات و ناامنی در منطقه، به نظر نمی‌رسد صنعت گردشگری جنوب کشور به زودی به روزهای اوج خود بازگردد. قشم که تا پیش از جنگ، یکی از مقاصد اصلی گردشگری ایران به شمار می‌رفت، اکنون به جزیره‌ای خالی از مسافر تبدیل شده است. روستای سهیلی که نماد افتخار گردشگری ایران در سطح جهانی بود، این روزها با اقامتگاه‌های خالی و اقتصاد فلج دست‌وپنجه نرم می‌کند. هتل‌داران و فعالان بوم‌گردی در انتظار بسته‌های حمایتی‌اند که وعده داده شده، اما هیچ‌گاه محقق نشده است. در این میان، تنها امید به بازسازی و آینده‌ای است که در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است. کارشناسان اقتصادی معتقدند حتی در صورت برقراری آتش‌بس و توقف حملات، حداقل دو تا سه سال زمان نیاز است تا اعتماد گردشگران خارجی به این منطقه بازگردد. جبران خسارت‌های روانی و مادی، بازسازی زیرساخت‌های تخریب‌شده و ایجاد مشوق‌های جدید برای سرمایه‌گذاری مجدد، همگی نیازمند اراده‌ای ملی و برنامه‌ای بلندمدت است. این در حالی است که زندگی هزاران خانواده به سرنوشت این صنعت گره خورده است. آنچه مسلم است، فراموشی گردشگری جنوب در میان هیاهوی جنگ، به زودی به بحرانی انسانی و اقتصادی بدل خواهد شد که دامنه آن فراتر از یک جزیره و یک صنعت خواهد رفت. جنوب نیازمند جهاد اقتصادی در کنار جهاد نظامی است.

**با ادامه حملات و ناامنی در منطقه، به نظر نمی‌رسد صنعت گردشگری جنوب کشور به زودی به روزهای اوج خود بازگردد. قشم که تا پیش از جنگ، یکی از مقاصد اصلی گردشگری ایران به شمار می‌رفت، اکنون به جزیره‌ای خالی از مسافر تبدیل شده است**

خبرخوان

### مهار آتش میانکاله

**ایسنا:** سخنگوی سازمان مدیریت بحران کشور از مهار حریق میانکاله خبر داد و گفت: بارش‌های سیل‌آسا نیز در خراسان شمالی به پایان رسید. امید محترمی، درباره حریق میانکاله گفت: «از حوالی ظهر دوشنبه آتش‌سوزی در مراتع منطقه میانکاله واقع در شهرستان بهشهر به وقوع پیوست. بلافاصله به منظور اطفای حریق، با هماهنگی‌های لازم با دستگاه‌های خدمات‌رسان هلال‌احمر، محیط زیست، آتش‌نشانی، شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و نیروهای مردمی وارد صحنه شدند و در محل حادثه حضور یافتند». او افزود: «به‌منظور اطفای حریق، تمام عوامل سازمان حفاظت از محیط زیست، نیروهای عملیاتی و امدادی، منابع طبیعی و نیروهای مردمی، در محل حادثه حضور یافتند». سخنگوی سازمان مدیریت بحران کشور ادامه داد: «با توجه به حجم آتش، یک دستگاه لودر و دو دستگاه تراکتور در حین عملیات اطفا دچار حریق شدند اما خوشبختانه مصدومی گزارش نشده است». محترمی گفت: «با توجه به بادهای تند ساحلی و شدت آتش‌سوزی، هماهنگی لازم برای اعزام یک فروند بالگرد به منطقه از طریق سازمان مدیریت بحران کشور و همکاری جمعیت هلال احمر صورت پذیرفت». او افزود: «پس از چندین سورتی پرواز بالگرد، ساعت هشت شب خاموش‌کردن آتش تمام شد. تمام همکاران مدیریت بحران و دستگاه‌های خدمات‌رسان در حال لکه‌گیری هستند و برای پایش منطقه تا صبح در منطقه حضور داشتند ولی احتمال شعله‌وری مجدد وجود دارد». سخنگوی سازمان مدیریت بحران کشور درباره سیل خراسان شمالی ادامه داد: «پیرو هشدار سطح نارنجی شماره ۱۴، در شهرستان‌های شیروان، راز و جرگلان و مانه سیل جاری شد». محترمی با اشاره به میزان بارش شهرستان راز و جرگلان گفت: «۵۹ میلی‌متر بارش طی پنج ساعت به ثبت رسید که سبب مسدودی راه ورودی مرکز شهرستان راز شد. در جرگلان نیز توسط عوامل امدادی و عملیاتی بازگشایی مسیرها صورت گرفت. همچنین این سیل سبب خسارت به اراضی کشاورزی و راه‌ها در این شهرستان و برخی از واحدهای مسکونی و معابر دچار آب‌گرفتگی شده است». محترمی گفت: «در شهرستان شیروان، آب‌گرفتگی جزئی معابر و ورود سیلاب به جاده‌ها در این شهرستان رخ داده است که مشکلات به صورت کامل رفع شد». او افزود: «در شهرستان بجنورد به هشت واحد دامداری و همچنین اراضی کشاورزی روستای ناوه خسارات وارد شده و تخلیه آب در حال انجام است. همچنین در شهرستان مانه نیز به بخشی از اراضی کشاورزی خسارت وارد شده است». سخنگوی سازمان مدیریت بحران کشور ادامه داد: «نیروهای امدادی و دستگاه‌های خدمات‌رسان در محل حادثه در حال امدادرسانی و بازگشایی مسیر و تخلیه آب هستند؛ شرایط اضطرار مدیریت شده و خدمت‌رسانی به‌خوبی در حال انجام است. علاوه بر این، عوامل مدیریت بحران استان خراسان شمالی در منطقه حضور دارند و به هدایت میدانی عملیات مشغول هستند».

### هشدار مصرف «ناس» در میان دانش‌آموزان

**ایلنا:** رئیس اداره بهزیستی کاشمر گفت: «در حال حاضر آنچه در میان دانش‌آموزان رایج شده و زمینه‌ساز ایجاد وابستگی به مواد مخدر می‌شود، از مصرف مواد مخدر ناس آغاز می‌شود. متأسفانه دسترسی کودکان به این ماده بسیار آسان است، زیرا فروش آن جرم محسوب نمی‌شود و به‌عنوان ماده مخدر شناخته نشده است. در نتیجه، در سوپرمارکت‌ها یافت می‌شود و دانش‌آموزان نیز به‌سادگی به آن دسترسی پیدا می‌کنند». مصطفی محمدپور، افزود: «در شهرستان‌های استان خراسان رضوی این معضل شیوع بیشتری دارد و در حال حاضر تقریبا در همه‌جا یافت می‌شود؛ البته نباید تصور کرد این مسئله منحصر به استان خراسان رضوی است، بلکه در بیشتر استان‌ها به‌راحتی در دسترس قرار دارد». او ادامه داد: «اگر گروه سنی کودکان و نوجوانان را تا ۱۸ سال در نظر بگیریم، مشاهده می‌شود که از دوره دوم ابتدایی و به‌ویژه در دوره اول متوسطه، مواد مخدری مانند ناس در میان دانش‌آموزان مدارس مصرف می‌شود. حتی در مواردی در دوره دوم ابتدایی نیز مصرف ناس آغاز شده است. به همین دلیل، در شهر ما دستور داده شده سوپرمارکت‌های نزدیک به مدارس به‌طور کلی حق فروش ناس و مواد مشابه را نداشته باشند».